نگاهی به قدرت و صلابت حاج ابراهیم همت در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان پیشکسوت لشکر ۲۷

خدا همت را نگه داشت تا او را علمدار خیبر کند

احمد محمدتبریزی

شهید ابراهیم همت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین، شاخص‌ترین و در عین حال مظلوم‌ترین فرماندهان دفاع مقدس شناخته می‌شود. مردی مخلص و بدون ادعا که از زمان تأسیس لشکر ۲۷ در این واحد حضور داشت و وجودش عامل مهمی جهت قوت قلب و بالا رفتن روحیه رزمندگان لشکر بود. حاج ابراهیم همت مرد بزرگی بود که در عملیات خیبر در اوج مظلومیت و غربت در ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ به شهادت رسید. رزمندگانی که در عملیات خیبر حضور داشتند از نزدیک شاهد تلاش‌ها و مظلومیت شهید همت در این عملیات بودند و مشاهده کردند حاج ابراهیم چطور معاون و نیروهایش را از دست داد. حاج همت برای نگه داشتن جزیره مجنون تا پای جان جانانه جنگید و در همین راه به سوی معبود شتافت. سردار رضا غزلی از نیروهای قدیمی و پیشکسوت لشکر ۲۷ است که در دوران دفاع مقدس در کنار شهید همت جنگیده است. غزلی در گفت‌وگو با «جوان» تصویر واضح و روشن‌تری از قدرت و صلابت حاج ابراهیم همت را پیش رویمان می‌گذارد.

شهید همت پس از ورود به سپاه در بخش‌های فرهنگی و تبلیغاتی فعالیت می‌کردند و دغدغه‌های فرهنگی داشتند. برای شروع کمی از این بخش کمتر گفته شده حاج ابراهیم همت و دغدغه‌های فرهنگی ایشان بگویید.

شهید همت قبل از ورود به سپاه معلم بود و زمانی که وارد سپاه شد، ناصر کاظمی، فرماندار پاوه و فرمانده سپاه این شهر بود و حاج ابراهیم همت مسئول فرهنگی سپاه پاوه می‌شود. حاج همت در شروع کار سبقه فرهنگی‌اش بیشتر از سبقه نظامی‌اش بود، اما وقتی کار را شروع می‌کند در کوران حوادث آبدیده می‌شود. وقتی شهید بروجردی، می‌خواهد ناصر کاظمی را برای فرماندهی سپاه کردستان ببرد، از ایشان می‌خواهد کسی را برای فرماندهی سپاه پاوه انتخاب کند. ناصر کاظمی هم به شهید بروجردی می‌گوید که ابراهیم همت دیگر آبدیده شده و ایشان را فرمانده سپاه پاوه بگذارید. حاج همت یک آدم فرهنگی بود که به جبهه‌ها آمد و به مرور در مسائل نظامی پخته شد و به فرماندهی سپاه پاوه رسید. شهید همت در عملیات‌ها و در به کارگیری مردم بومی و احترام به مردم محلی توانایی‌های زیادی داشت. ایشان در مدت زمان کوتاهی به جایی می‌رسد که مسئولیت بزرگ و مهمی مثل فرماندهی سپاه پاوه را در آن شرایط سخت به ایشان واگذار می‌کنند.

آشنایی شهید همت و حاج احمد متوسلیان چه تأثیری در قدرت فرماندهی حاج ابراهیم داشت؟

زمانی که پاوه در محاصره قرار داشت امام می‌فرماید که تا ۲۴ ساعت باید محاصره پاوه شکسته شود، حاج احمد به همراه تعدادی از نیروهایش به پاوه می‌آید و آنجا فرمانده عملیات سپاه پاوه می‌شود. یعنی شهید همت مسئول فرهنگی سپاه پاوه و حاج احمد متوسلیان مسئول عملیات سپاه پاوه می‌شود. پس از مدتی شهید بروجردی، حاج احمد را برای سپاه مریوان می‌فرستد. مریوان از پاوه بزرگ‌تر و مسئله‌دارتر بود و شرایط سخت‌تری را برای فرماندهی داشت. اینجا جوهره وجودی این افراد مشخص می‌شود و شهید بروجردی، حاج احمد، حاج همت و ناصر کاظمی را در مسئولیت‌های مهمی می‌گذارند. حاج همت همانند احمد متوسلیان در کردستان اوج می‌گیرد و رشد می‌کند. پس از مدتی حاج همت و حاج احمد متوسلیان عملیات مشترکی را به نام محمدرسول‌الله(ص) انجام می‌دهند. همت از پاوه عملیات را شروع می‌کند و قصد دارد نوسود را بگیرد و حاج احمد هم از مریوان حرکت می‌کند. اینجا به فرمانده سپاه خبر می‌رسد که در شمال غرب بچه‌ها عملیات خوبی را انجام داده‌اند که نتایج خوبی را به دنبال داشته است. هرچند به خاطر برف شدید بعضی از اهداف عملیات محقق نمی‌شود، ولی انجام این عملیات در آن زمان اهمیت زیادی داشت. دو فرمانده سپاه قدر این عملیات را انجام دادند که توانایی‌های هر دو فرمانده را نشان داد. وقتی محسن رضایی به پاوه می‌رود و ایده تشکیل تیپ را مطرح می‌کند، اول به حاج همت پیشنهاد می‌دهد، ولی ایشان می‌گوید شما در مریوان سراغ احمد بروید. وقتی سراغ احمد می‌روند، می‌گوید همت هم باید بیاید و اگر همت بیاید من هم می‌آیم. اینجا نزدیکی این دو فرمانده را شاهد هستیم که بدون همدیگر کار را شروع نمی‌کنند. هر دو فرمانده، جانشین‌هایشان را به عنوان فرماندهان سپاه پاوه و مریوان می‌گذارند و برای تشکیل تیپ ۲۷ می‌آیند.

هسته اولیه لشکر ۲۷ را نیروهای قدری مثل شهید همت، حاج احمد و شهید شهبازی تشکیل می‌دهند و این قدرت لشکر را نشان می‌دهد.

بله، شهید محمود شهبازی از فرماندهی سپاه همدان هم می‌آید. ایشان از دانشجویان پیرو خط امام و از نیروهای توانمند بود. شهید همدانی هم در این جمع حضور داشت. شما در نظر بگیرید حاج احمد فرمانده تیپ، شهید شهبازی جانشین و شهید همت رئیس ستاد می‌شود. روز ۲۷ رجب که مصادف با مبعث پیامبر بود اولین جرقه تشکیل لشکر زده می‌شود. به مناسبت ۲۷ رجب و مبعث حضرت رسول(ص) و عملیاتی که حاج همت و حاج احمد به طور مشترک به نام محمد رسول‌الله(ص) داشتند نام لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) را انتخاب می‌کنند. اینکه عده‌ای می‌گویند حاج احمد دلیل نام‌گذاری لشکر را به خاطر این موضوع گذاشته که پس از تکرار نام لشکر صلوات فرستاده شود، صحت ندارد. اساس و پایه لشکر روز مبعث پیامبر گذاشته می‌شود.

گویا از این لحظه به بعد نیز لشکر با فرماندهی حاج احمد و حاج ابراهیم در دو عملیات بزرگ و مهم سال ۱۳۶۱ حضوری تاثیرگذار دارد!

> همت صداقت و صلابت داشت. یکی از دلایلی که همت محبوب می‌شود داشتن همین صداقت و صلابت است. همت محبوب دل‌ها بود. ایشان همیشه با بچه‌ها روراست بود و زمانی که شما با نیروهایتان صاف و صادق باشید آنها هم با شما روراست می‌شوند و در دلشان جا باز می‌کنید

> حاج همت در خیبر آبرویش را گذاشت و جانش را پای عهدش داد. لشکر ۲۷ در خیبر بیشترین تلفات را می‌دهد. مگر یک آدم چقدر توان دارد. امام فرمان داده بود که جزیره مجنون باید حفظ شود و خط طلائیه شکسته نشده بود. همه فرماندهان با چنگ و دندان تلاش می‌کردند تا جزیره را حفظ کنند

لشکر ۲۷ در عملیات فتح‌المبین و با فرماندهی همت و متوسلیان به توپخانه دشمن می‌رسد. این دو فرمانده به همراهی شهید حسن باقری دست به ابتکاراتی می‌زنند که ارتش بعث را غافلگیر می‌کند. حاج همت و حاج احمد در طراحی این عملیات از درس‌های عملیات محمدرسول‌الله(ص) بهره می‌گیرند که در آنجا نتوانستند توپخانه را بگیرند، ولی اینجا توپخانه را تصرف می‌کنند و ۱۸۰ قبضه توپ را غنیمت می‌گیرند. در بیت‌المقدس هم لشکر ۲۷ حضوری تأثیرگذار دارد و محمود شهبازی نیز در این عملیات شهید می‌شود. پس از آن حاج همت جانشین فرمانده می‌شود. تمام این مسائل همت را همت می‌کند. وقتی پس از بیت‌المقدس، حاج احمد در لبنان اسیر می‌شود شهید همت به فرماندهی می‌رسد. حاج احمد و همت بر دل‌ها فرماندهی می‌کردند. حاج همت در کوران کار اوج می‌گیرد. بچه‌های لشکر حاج همت را خیلی قبول داشتند و با جان و دل او را دوست داشتند. یادم نمی‌رود وقتی همت در عملیات خیبر حضور داشت، نیروها دورش حلقه می‌زدند تا اگر خمپاره و ترکشی می‌آید به همت نخورد و به آنها برخورد کند.

بعد از حاج احمد و شهادت محمود شهبازی حاج همت تنها می‌شود. آن دوران بر حاج همت چطور گذشت؟

وقتی حاج احمد می‌رود، پرکردن جایش خیلی سخت است. وقتی فرمانده قدری مثل حاج احمد می‌رود آمدن هر کسی جای او مشکل است. همت آن روحیه حاج احمد را نداشت و با رفتن حاج احمد تنها و پشتش خالی می‌شود. این دو مکمل هم بودند. وقتی حاج احمد در قرارگاه با قدرت حرف می‌زند، پشتش به حاج همت و شهبازی گرم است. شهبازی بیت‌المقدس و حاج احمد کمی بعد می‌رود. پشت همت ناگهان خالی می‌شود. با این حال نیروها دور همت را می‌گیرند و می‌گویند اگر حاج احمد نیست، ولی شما باشید و واقعاً مثل پروانه دور همت می‌چرخیدند.

به نظر می‌رسد انعطاف، خوش اخلاقی و صداقت شهید همت عامل مهمی در جمع شدن نیروها گرد حاج همت بود.

همت صداقت و صلابت داشت. یکی از دلایلی که همت محبوب می‌شود داشتن همین صداقت و صلابت است. همت محبوب دل‌ها بود. ایشان همیشه با بچه‌ها روراست بود و زمانی که شما با نیروهای‌تان صاف و صادق باشید آنها هم با شما روراست می‌شوند و در دلشان جا باز می‌کنید. پایمردی و ایستادگی همت در شرایط سخت نیز مثال‌زدنی است. هیچ وقت ندیدیم همت در کارها نه بیاورد. همت برای لشکر ۲۷ و سپاه ذوالفقار بود. همت مظلوم بود و بی‌حاشیه بود. حاج همت در کارش بسیار جدی بود. اما در عین حال هم انعطاف داشت. ایشان سعی می‌کرد با اخلاق خوش امور را دنبال کند. حاج احمد متوسلیان گاهی در انجام کارها عصبانی هم می‌شد، اما همت اینطور نبود. با انعطاف کار می‌کرد و اگر کاری به او سپرده می‌شد تا پای جان سعی می‌کرد تا آن کار را به بهترین شکل انجام دهد. گیرایی حاج همت به خاطر خوش خلقی او بود. یعنی عمل و رفتارش به اخلاقش نزدیک بود. مطالب را خوب بیان می‌کرد یعنی وقتی همت به قرارگاه می‌رفت، اگر فرمانده لشکرها می‌خواستند مطلبی را به فرمانده کل جنگ برسانند، می‌گفتند حاج همت باید این موضوع را مطرح کند. داشتن این شاخصه هم دلیل داشت. چون او معلم بود و عادت به صحبت کردن داشت.

این ایستادگی و وفای به عهد حاج همت را می‌توان در خیبر مشاهده کرد؟

حاج همت در خیبر آبرویش را گذاشت و جانش را پای عهدش داد. لشکر ۲۷ در خیبر بیشترین تلفات را می‌دهد. مگر یک آدم چقدر توان دارد. امام فرمان داده بود که جزیره مجنون باید حفظ شود و خط طلائیه شکسته نشده بود. همه فرماندهان با چنگ و دندان تلاش می‌کردند تا جزیره را حفظ کنند. من این را با چشمانم دیدم که همت دیگر نیرویی در لشکر نداشت. شاید یک گروهان نیرو در کل لشکر مانده بود و اینجا اوج غربت و مظلومیت حاج همت است. جبهه جایی است که خدا حرف بندگانش را می‌خرید. همت وقتی اینگونه تنها می‌شود مرگش را از خدا می‌خواهد. خدا ناز بندگانش را در جبهه خیلی زیبا می‌کشید. من این را در عملیات‌های مختلف دیده بودم. همت تا آن زمان زخمی هم نشده بود و از رفتن دوستان و نیروهایش ناراحت بود و می‌گفت خدایا این همه عملیات رفته‌ام چرا یک ترکش هم نخورده‌ام. اما خدا همت را نگه داشت تا او را علمدار خیبر کند. همسر حاج همت آخرین دیدار حاج ابراهیم را زیبا تعریف می‌کند. ایشان می‌گوید هر وقت حاج ابراهیم به خانه می‌آمد با بچه‌ها بازی می‌کرد، اما این دفعه که به خانه آمد، دیدم فقط خیره به بچه‌ها نگاه می‌کند. به ایشان می‌گوید که ابراهیم چرا به بچه‌ها محل نمی‌گذاری. حاج همت جواب می‌دهد، بگذار بچه‌ها بخوابند. چون می‌دانسته برای عملیات می‌رود و نمی‌خواسته بچه‌هایش مانعش شوند و محبت فرزند او را نگه دارد. غیرممکن بود حاج همت به خانه بیاید و با بچه‌ها بازی نکند؛ چراکه او مدام در خط و جبهه بود و نمی‌خواست تا بچه‌هایش کمبود محبت پدر را احساس کنند. صبح زود قبل از اینکه بچه‌ها از خواب بیدار شوند حاج همت به منطقه می‌رود. با بغض و خیره خیره بچه‌هایش را نگاه می‌کند و احتمال می‌دهد شاید این آخرین دیدارشان باشد. این بغض و نگاه‌های خیره حرف‌های زیادی دارد. همت می‌دانسته که دیگر برنمی‌گردد. همت همه وجودش را در جبهه گذاشته بود، حتی برای یک لحظه از منطقه و مسئولیتی که به او سپرده شده بود، جدا نمی‌شد.

برایمان توضیح می‌دهید که در خیبر بر حاج همت چه گذشت و غربت و مظلومیت ایشان را بیشتر برایمان شرح می‌دهید.

حاج همت در خیبر دیگر نیرویی نداشت و از شهید سلیمانی درخواست نیرو می‌کند. حاج قاسم پیکش را پیش شهید همت می‌فرستد و پیک حاج قاسم با موتور به لشکر ۲۷ می‌آید. حاج قاسم به پیکش گفته بود که حاج همت را به لشکر ببر تا یک گروهان از نیروهای لشکر ثارالله(ع) بگیرد. حاج ابراهیم پشت موتور پیک حاج قاسم می‌نشیند و دشمن روی دژ را با خمپاره و توپ خیلی شدید می‌زد. نیروهای زیادی از لشکر ۲۷ شهید شده بودند و شهید زجاجی، معاون حاج همت، هم در این عملیات شهید شده بود. حاج همت در خیبر در غربت کامل قرار داشت. می‌خواست یک گروهان نیرو از لشکر ثارالله(ع) بگیرد تا حرف امام که گفته خط را نگه دارید را انجام دهد. می‌خواست به طرف لشکر ثارالله(ع) برود و از این لشکر نیرو بگیرد که خمپاره به دژ می‌خورد و نصف صورت همت می‌رود. در کوران عملیات خیبر، حاج همت شهید شده بود و کسی از این موضوع خبر نداشت. بچه‌های لشکر بعداً متوجه شهادت فرماندهشان می‌شوند. بعدها سردار سلیمانی ماجرای گرفتن یک گروهان نیرو را بازگو کرد تا اوج مظلومیت حاج همت مشخص شود. همت در خیبر خیلی مظلوم بود. آنقدر در جزیره تلاش کرد تا آخر در غربت تمام به شهادت رسید و تازه چند ساعت بعد متوجه شهادت ایشان می‌شوند. تا یکی دو روز بعد به بچه‌های لشکر اعلام نکردند که حاج همت شهید شده است. نمی‌خواستند بچه‌هایی که در خط بودند روحیه‌شان را ببازند. شهادت فرمانده و جانشینش در یک عملیات خیلی سنگین بود و شنیدن این خبر تأثیر زیادی روی روحیه رزمندگان می‌گذاشت. تعبیر من این است که خدا قاسم سلیمانی را نگه داشت تا ما پی به وجود همت‌ها و متوسلیان‌ها ببریم. اینگونه با دیدن حاج قاسم می‌فهمیدیم همت و متوسلیان و شهبازی چه انسان‌های بزرگی بودند. حاج قاسم هم با گذشت زمان و در کوران حوادث آبدیده شد. خدا حاج قاسم را نگه داشت تا با تجربه شود و در دنیا خودنمایی کند و جوانان بفهمند حاج احمد و حاج ابراهیم چه کسانی بودند. حاج احمد و حاج همت پیشقراولان نهضت مقاومت بودند که حاج قاسم نیز دنباله‌رو این فرماندهان بزرگ بود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۴۲

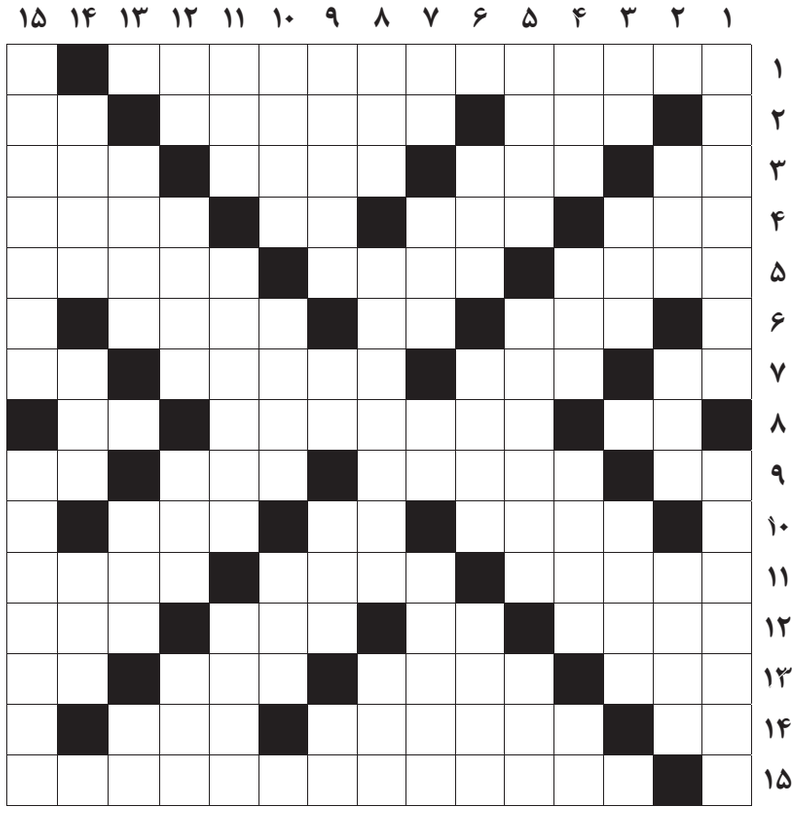

از راست به چپ

■ ۱- فرمانده بزرگ لشکر امام حسین (زاده اول شهریور ۱۳۳۶ اصفهان – شهادت ۸ اسفند ۱۳۶۵ شلمچه)■ ۲- دویدن بین صفا و مروه- اقامتگاه- تهوع■ ۳- داخل- مرده‌ریگ- بسیار روان- تپانچه؛ سیلی■ ۴- باغ دیدنی- تیره- رنگ نشده- خالی■ ۵- پول میانمار- آسایش- میل به غذا■ ۶- تقوا- دوستی- سرایت‌کننده■ ۷- رطوبت خسیس- لایه محافظ زمین- ادب- طلا■ ۸- بز کوهی- بخشیدن گناهان- اراده■ ۹- همین ستون- میدانی در تهران- بالاپوش- راه میان‌بر■ ۱۰- برگه وصول- تکخال- لباس■ ۱۱- خویشاوند- سخنوران- بنیانگذار■ ۱۲- شهر اهرام مصر- تلخ- مسکوک نقره- ظاهر ساختمان■ ۱۳- سلام انگلیسی عامیانه- بالکن- شکل استوانه‌ای- شهر حضرت عبدالعظیم■ ۱۴- مخفف هستم- آخرین رئیس جمهور شوروی سابق- زراعت■ ۱۵- فرمانده شهید و قهرمان لشکر ۳۱ عاشورا (۳۰ فروردین ۱۳۳۳ – ۲۵ اسفند ۱۳۶۳)

از بالا به پایین

■ ۱- سبکی در کاراته- صفت شهر اصفهان■ ۲- پیام غیبی- سرزمین وحی- مولای متقیان می‌فرمایند آنها برگ‌های دفتر زندگی ما هستند پس بکوشیم که بیهوده ورق نزنیم■ ۳- از نام‌های پیامبر در قرآن- نویسنده بذله‌گوی ایرلندی- مرموز■ ۴- از برترین عبادت‌ها- دیوار بلند- زن فرعون عصر حضرت موسی- آوای رزمی کار■ ۵- بهت- شیطان- کیسه ابزار خیاطی■ ۶- خونخواهی و انتقام- سمبل- از دین برگشته■ ۷- تصدیق انگلیسی- شهری در فلسطین- رفوزه- نویسنده مدح دیوانگی■ ۸- پرستار- حاکم کوفه که مأمور جنگ با امام حسین شد- سیاه شاعرانه■ ۹- ذات و سرشت- سوی وطرف- ظرف خرید خانوار- چوب خوشبو■ ۱۰- فیلسوف، تاریخ‌نگار و نویسنده فرانسوی نویسنده کتاب زندگانی مسیح- والده- جواب مثبت نجار■ ۱۱- زمان بی آغاز- جهانگشای مقدونی- از لوازم خوشنویسی■ ۱۲- نگاه خیره- خوشگذرانی- ترشرویی- فلسفه ارسطو■ ۱۳- لهجه‌ای در تهران قدیم- نام قدیم فردوس- تنها■ ۱۴- داروی چکاندنی- از سوره‌های قرآن- افسانه■ ۱۵- رمان پرفروش کوئیلوی برزیلی- مجاورت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹			۲	۶		۸		۵
۳								
				۷	۹			۲
	۹	۵						
	۴		۹		۲			
						۶	۴	
			۷	۵	۸			
						۵	۶	
	۲	۸						

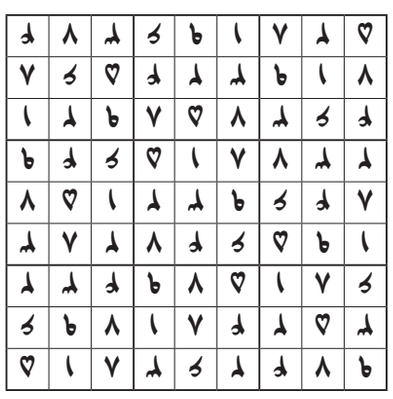

جدول کلمات متقاطع
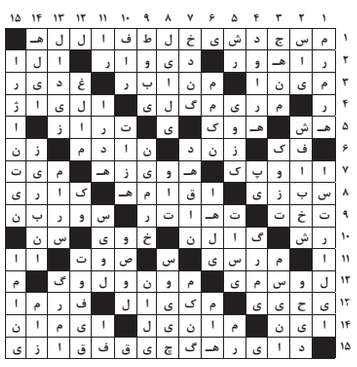
پاسخ جدول شماره ۶۴۴۱